



مهدی حسین زاده
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



○ روانکاوی فرهنگ عامه؛ نظم و تربیت و نشاط
○ بری ریچاردز
○ حسین پاینده
○ طرح نو
○ ۱۳۸۲، ۲۸۲ صفحه، ۳۰۰۰
○ نسخه، ۲۳۰۰ تومان

دارد. بخش دوم، شامل فصلهای سوم تا هشتم با عنوان «بررسیهای موردی» مطالعه موردی درباره جنبه‌های مختلف فرهنگ عامه، از قبیل فوتبال، اتومبیل، مصرف کالا، موسیقی و حومه شهرها است. بخش سوم، شامل فصلهای نهم و دهم با عنوان «چشم اندازها» تطوّر علمی نظریه روانکاوی و موضوع اخلاق و فروپاشی قید و بندهای اخلاقی در دوره پسامدرن بررسی می‌شود.

بخش نظری

«بری ریچاردز» در بخش نظری کتاب، نظریه روانکاوانه خود را بر سه اصل بنیادین بنا می‌کند. اول اینکه، افراد جامعه اصولاً به صورت کنشگرانی مختار در فرهنگ عامه سهیم می‌شوند. به بیان دیگر، ما بازی خوردگان درمانده یک «صنعت فرهنگ سازی» مقتدر نیستیم. دومین اصل بنیادین نظریه فرهنگ عامه این است که افراد با سهیم شدن در شکل‌های فرهنگی عامه پسند لذت کسب می‌کنند. اگر چنین نبود، مشارکتی در آن فرهنگ

«بری ریچاردز» از نوشتن کتاب روانکاوی فرهنگ عامه دو هدف کلی را در نظر داشته است؛ نخست این که می‌خواسته سهمی در دو حوزه در حال رشد در تحقیقات دانشگاهی، یعنی پژوهش درخصوص فرهنگ عامه، مصرف کالا و تحقیقات روانکاوانه داشته باشد و دیگر اینکه، مؤلف در نظر دارد، مطالب کتاب برای خوانندگانی جذابیت داشته باشد که در هیچ یک از این دو حوزه یاد شده، تخصص دانشگاهی ندارند، اما به استفاده از اندیشه‌های روانکاوانه برای فهم عمیق‌تر زندگی روزمره در جهان امروز علاقه‌مندند.

بخش‌های سه گانه کتاب

کتاب حاضر که کاوشی روانکاوانه درباره برخی از جذاب‌ترین جنبه‌های فرهنگ عامه است، از سه بخش کاملاً مجزا تشکیل شده است؛ بخش نخست، شامل فصلهای اول و دوم با عنوان «مقدمه» به بحثهای نظری و مبحثی پیرامون روش انجام دادن تحقیقات روانکاوانه درباره فرهنگ اختصاص

انجام نمی‌گرفت و آن فرهنگ هم دیگر مردم پسند نمی‌بود. پس، فرض بر این است که رفتار آدمی، کمابیش شالوده‌ای فایده‌جویانه دارد. برطبق اصل سوم، افراد جامعه از سهمیم شدن در اشکال مختلف فرهنگی از دو طریق لذت کسب می‌کنند: الف. ارضاهای شهوانی (لذت جسمانی ورزش، نشاط از موسیقی و...) و ب. قوت قلب و لذتی که از ماهیت لزوماً اجتماعی فعالیت‌های فرهنگی عامه پسند برمی‌آید.

روشن است که سه اصل مذکور، دقیقاً برخلاف نظرات مکتب انتقادی (فرانکفورتی‌ها) در بحث «صنعت فرهنگ» است. «آدرنو» و «هورکهایمر» از جمله بنیانگذاران مکتب فرانکفورت، معتقد بودند که در دنیای جدیدی که رسانه‌های فرهنگی، هنری و خبری (سینما، تلویزیون، رادیو، مجله‌های تخصصی و...) رشد و قدرت و سریع و وسیعی یافتند، مقوله‌های فرهنگی جدیدی را به توده مردم تلقین می‌کنند و فرهنگ و هنر اصیل را می‌ریزند. در این فرایند رایش، توده مردم منفعلانه عمل می‌کنند و کاملاً در برابر جریان فرهنگ سازی تسلیم‌اند.

ریچاردز در ادامه مباحث نظری خود به بحث نشاط ناشی از نظم و ترتیب می‌پردازد. با توجه به اینکه عنوان فرعی کتاب نیز «نظم و ترتیب نشاط» است، ریچاردز معتقد است که نظم و ترتیب اجتماعی هم ظرفی برای تجربیات لذت آوری است که اساساً از بدن سرچشمه می‌گیرند و هم فی‌نفسه منشأ نشاط است. فرهنگ به افراد جامعه مجال لذت یابی می‌دهد. این افراد، هم محدودیت‌های لذت یابی و هم امکان لذت بردن را دوست می‌دارند، زیرا این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. به عبارت دیگر، الفبای محدودیت‌های اجتماعی مسئولیت‌های شخصی را از راه روابطی فرامی‌گیریم که عمیقاً ماهیتی جسمانی دارند.

اشاره کوتاهی به مباحثی چون چگونگی مطالعه روانکاوانه فرهنگ، نحوه پژوهش در مطالعات روانکاوی، نظریه‌پردازی در مطالعات روانکاوی، وجوه تمایز و تشابه تحلیل بالینی و تحلیل فرهنگی و ارتباط نقد ادبی با تحلیلهای روانکاوانه فرهنگ مباحث بعدی ریچاردز در این فصل است.

بخش مطالعات موردی

در این بخش نخستین نمونه مورد مطالعه، فوتبال است که در فصل‌های اول و دوم بررسی می‌شود. روانکاوی به منزله نظریه‌ای درباره ضمیر ناخودآگاه و در بردارنده مفاهیمی چون: «همانندسازی هویت»، «جداسازی» و «خودشیفتگی» حرف‌های بسیاری درباره ماهیت و نحوه ایجاد تعلق‌های تعصب‌آمیز دارد و لذا می‌تواند برای فهم شور و شوق عامه برای فوتبال ابزار کارآمدی باشد. ریچاردز، جذابیت فوتبال را از قوانین و ضوابط

آن
(ممنوعیت
لمس توپ و
ممنوعیت خشونت
ورزی) می‌داند که این
قوانین و سیر تکوینی آن در
صد و سی سال گذشته، فوتبال را
به سوی بازی متمدانه سوق داد.

فوتبال هم چنین واجد بعدی جنسیتی
است؛ هدف نهایی از همه ضربات به توپ، نفوذ
به دیگری (یا به شکل دقیق‌تر، نفوذ به منطقه‌ای
مقدس یا ممنوع از طریق یک منفذ) است. البته جنبه جنسیتی
فقط مختص فوتبال نیست؛ بازیهای متعددی وجود دارند که در آنها می‌باید
شئی را در مکان یا سوراخی قرارداد که بازیکنان تیم حریف و یا موانع طبیعی
مانع از این دخول می‌شوند.

شور و شوق هواداران متعصب، قوانین و ممنوعیت‌های بازی فوتبال، سبب شد
که این ورزش همان جایگاهی را برای ما داشته باشد که جامعه بشری با محدودیت‌های
سخت‌گیرانه‌تر و پیچیده‌تر دارد. به عبارت دیگر این ورزش بازآفرین نقش
جامعه است. در مبحث بازآفرینی ضایعه نیز این بحث مطرح می‌شود که
ورزش نیز همچون مادر، جبران مافات کند، یعنی در ازای اینکه

واقعیت را تحمل می‌کنیم و ضایعات و
محدودیت‌هایی بر ما تحمیل می‌شود، چیزی
عایدمان گردد که ورزش فوتبال این امر
را به درستی انجام می‌دهد. نهایتاً،

طبقات میانی و بالای جامعه
برخلاف طبقه پایین (کارگر) در
خلق و شکل‌گیری تاریخ اولیه
فوتبال نقش بسزایی داشته‌اند
و با وجود اینکه فوتبال تقریباً
ورزشی مردانه است ولی در
میان طرفداران تیم‌های
فوتبال همواره دختران و زنان
نیز بوده‌اند و تعداد نقش آنها
(به خصوص با شکل‌گیری
فوتبال زنان) در فرهنگ این
بازی چشمگیرتر شده است.

بری ریچاردز در فصل چهارم
با عنوان «پیکر ملت» به بحث
پیرامون نواحی سرسبز روستایی اطراف
شهر و مقایسه آن با زمین چمن فوتبال
می‌پردازد. او معتقد است که هم در فوتبال و
هم در نواحی روستایی، آمیزه‌ای از شهوانیت و مهار

شور و شوق هواداران متعصب، قوانین و ممنوعیت‌های بازی فوتبال، سبب شد که این ورزش همان جایگاهی را برای ما داشته باشد که جامعه بشری با محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌تر و پیچیده‌تر دارد

بری ریچاردز در نظریه روانکاوانه خود افراد جامعه را کنشگرانی مختار در فرهنگ عامه در نظر می‌گیرد که بازی خوردگان در مانده «صنعت فرهنگ سازی» مقتدر نیستند



می‌داند. او در فصل ششم به طور خاص به همین نکته اشاره کرده است. بدین معنا که، ما در مقام مصرف کننده کالا، به انواع و اقسام شیوه‌های دفاع روانی از خود متوسل می‌شویم و نیز معنایی که در آگهیهای تجاری و کالاها می‌یابیم، دست کم تا حدی ساخته و پرداخته خودماست.

در این فصل به نظریه «مصرف تورشتاین وبلن نیز اشاره شده است. که عبارت از معانی خلق شده توسط مصرف می‌داند. در ادامه نیز موضوعاتی مانند مصرف متأثر شدن مصرف کنندگان بادیکن کالاها،

چشمگیر» از مصرف را کنندگان کنسندگان کالاها، عذاب و جلن مصرف کنندگان به خاطر پیامدهای زیست محیطی و بحث موردی

سیگار کشیدن بررسی شده است. نهایتاً، مصرف کالا (همچون سایر رفتارهای فرهنگی) متضمن فرافکنی باز نمودهایی از این است که هم به ارضاء لذت جوییهای شهوانی مربوط می‌شوند و هم اینکه بر موجودیت اجتماعی ما و رابطه مان با «اصل واقعیت» صحنه می‌گذارند.

در فصل هفتم کتاب نیز به موسیقی پاپ از چشم‌اندازی روانکاوانه توجه می‌شود. بدین معنی که، موسیقی پاپ که یکی از همه گیرترین کالاهای فرهنگ عامه است به ساماندهی رشد روانی جوانان و دیگر اقشار به عنوان مصرف کنندگان کالا کمک می‌کند؛ زیرا این پدیده هم به صورت محصولی فرهنگی و هم به صورت حاشیه صوتی در آگهیهای تجاری و مراکز خرید در همه حوزه‌های مصرف استفاده می‌شود. در همین حوزه‌هاست که اشخاص به دنبال هویتی برای خود می‌گردند.

فصل هشتم نیز به نوعی ادامه مباحث فصل قبل است. در این فصل از موسیقی جاز ملایم صحبت می‌شود، مثلاً یکی از ویژگیهای موسیقی مبتنی بر جاز ملایم، این است که خوانندگان این نوع موسیقی خود و تجربیات زندگی شان را به شکلی کاملاً بی واسطه در ترانه‌هایشان ارائه می‌دهند. به بحث روانکاوانه اصل جدایی و ضایعه نیز اشاره‌ای شده که کارکرد موسیقی جاز ملایم در مهار این رنج و تألم جدابودگی در نظر گرفته شده است.

در بخش سوم کتاب که شامل فصلهای نهم و دهم است، نویسنده از موضوع و تم اصلی کتاب قدری فاصله می‌گیرد؛ فصل نهم به تطور علمی نظریه روانکاوی پرداخته شده که نویسنده روانکاوی را همراه با آگاهی می‌داند و نبود آن نظریه را محروم ساختن انسان از آگاهی برمی شمرد. در فصل دهم نیز، به غیر از اشاره‌ای به تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور انگلستان در دهه ۸۰ میلادی (دوره‌های نخست وزیر یوری خانم تاچر)، توجه اصلی به اخلاق می‌شود (که به نوعی دغدغه نویسنده کتاب است). ریچاردز به نوعی در مقام مدافع سرسخت مدرنیته، نقدهای پسا مدرن‌ها را به جا نمی‌داند و قابل به فروپاشی اخلاقی در دوره حاضر نیست. به عبارت دیگر، خانه را از پای بست ویران نمی‌داند.

اجتماعی می‌توان یافت.

اتومبیل که از نظر مادی و نمادین واجد اهمیتی اساسی در فرهنگ عامه است، در فصل پنجم، به عنوان نمونه‌ای دیگر از لحاظ جنبه‌هایی چون فن هراسی و فن دوستی، بدن و کالبد اتومبیل و تحرک آزادانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. فن هراسی و فن دوستی اتومبیل بدین معنی است که اتومبیل به عنوان محصول تکنولوژی جدید از یک طرف ترس از بین رفتن محیط زیست (فن هراسی) و از طرف دیگر تسهیلات در زندگی و زمان مردم (فن دوستی) را به همراه دارد. اتومبیل، هم بدن مردانه است که راه خود را از میان وسایط نقلیه باز می‌کند و هم بدن خوش ترکیب زنانه. و دیگر اینکه، اتومبیل در فضایی عمومی، نوعی فضای خصوصی فراهم می‌آورد، مکانی ایمن که در داخلش همه چیز به گونه‌ای مادرانه برای راحتی سرنشین ترتیب داده شده است. اتومبیل علاوه بر برخورداری از برخی ویژگیهای شهوانی، وسیله‌ای برای حمل و نقل و تحرک آزادانه هم هست. به عبارت دیگر، اتومبیل شخصی، حکم عینی‌ترین تبلور و کامل‌ترین وسیله تحرک را دارد که نتیجه آن پیوند مستحکم با آزادی فردی است. ریچاردز متذکر می‌شود که گیرایی اتومبیل فقط ماهیت جنسی ندارد، بلکه همچنین از آنجا ناشی می‌شود که اتومبیل به خوبی می‌تواند برخی از بنیادی‌ترین جنبه‌های فردیت مدرن را متبلور و محقق کند تا ما به صورت اشخاصی به لحاظ روانی مستقل در دنیای تحرک اجتماعی و حقوق فردی رشد کنیم. کلام آخر اینکه، اتومبیل نیز مانند فوتبال و نواحی روستایی، چارچوب اجتماعی‌ای برای منضبط ساختن امیال بدوی و نشاط فراهم می‌کند و اتخاذ تدبیری برای گریز از فن هراسی ناشی از تخریب محیط زیست نه متوقف کردن ساخت اتومبیل بلکه بهینه ساختن اتومبیل‌های آینده است که کمترین میزان آلودگی را ایجاد کند.

نویسنده کتاب مصرف کنندگان را نه منفعل بلکه فعال در امر مصرف